

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۹

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌سنجی

دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۶۲ - ۴۵

اعتبار و روایی و ساختار عاملی پرسشنامه خودپنداره - خدا پنداره برای مداخله‌های معنوی

Validity and reliability of factor analysis of god image- god concept for spiritual interventions survey

مسعود جان‌بزرگی^۱، آسا سرآبادانی تفرشی^۲

Abstract

For spiritual human the perceptions of the source of existence and of god on the one hand and of himself on the other is one of the major psychological challenges. The formation of fictitious ideas or imaginations in these two domains lead to false and turbulent psychological processing. The psychological assessment of the beliefs of these perceptual areas in the field of clinical-spiritual assistance is of particular importance to the clients. The main objective of this research is to provide and measure the indicators of validity and reliability and factor structure of self-concept and god-image questionnaire for spiritual studies and interventions. To this end, the criteria for "self-concept" and "god-concept" were adjusted based on religious texts and then clinical observations. Objective tools were provided for measuring it. After the initial studies and preparation of the necessary narrative for the clinical experts with the qualitative method of the centralized group and

چکیده

فعالیت حوزه ادراکی مربوط به مبدأ هستی و خداوند از یکسو و خود در رابطه با او از سوی دیگر از چالش‌های اساسی روانشناختی برای انسان معنویت‌خواه است. شکل‌گیری پنداره‌ها یا تصورات ساختگی در این دو حوزه موجبات پردازش غلط و آشفته‌ساز روانشناختی را برای فرد فراهم می‌کند. سنجش روانشناختی باورهای این حوزه‌های ادراکی در زمینه کمک‌های بالینی-معنوی به مراجعان از اهمیت خاصی برخوردار است. تهیه و سنجش شاخص‌های اعتبار و روایی و ساختار عاملی پرسشنامه خودپنداره - خداپنداره برای مداخله‌ها و مطالعه‌های معنوی هدف اصلی این پژوهش بوده است. برای این منظور، معیارهای مربوط به "خودپنداره - خداپنداره" بر اساس متون دینی و سپس مشاهدات بالینی تنظیم و برای سنجش آن، ابزار عینی تدارک دیده شد. پس از مطالعات اولیه و تهیه روایی لازم از نظر متخصصان بالینی با روش کیفی گروه متمرکز و حذف گزاره‌های تأیید نشده، پرسشنامه‌ای با ۶ سؤال برای مؤلفه‌های جمعیت شناختی، و ۴۰ سؤال برای سنجش

۱. استاد روانشناسی بالینی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

the elimination of unconfirmed statements, a questionnaire with 6 questions for demographic components and 40 questions for self-concept and God-concept was designed. To study the reliability of the questionnaire a test-retest method and a statistical factor analysis on a small group of 30 undergraduate students at the Islamic Azad University of Tehran, south Tehran branch was conducted. Using a multi-stage cluster method, a sample of 628 students was selected. The findings in the qualitative methods contained a satisfactory content validity in the $CVI > 0/79$ and $CVR > 0/62$. Based on the test re-test results, the reliability for God-concept subscale was $0/806$ and for the self-concept was $0/582$. Cronbach's alpha or internal consistency of the test was $0/815$, which indicates a satisfactory level. The factor analysis was identified by the main components of the four factors in the response of the participants. Which included 7 self-concept questions, 8 self-image questions, 14 questions of God-concept and 11 questions of God-image (the true meaning of God). Therefore, the final findings were derived from four main sub-scales that measure both the false impressions of God and Self, as well as the true concepts of God and Self.

Keywords: Self-Concept, Self-Image, God-Concept, God-Image

خودپنداره - خداپنداره طراحی شد و برای مطالعه اعتبار با یک گروه کوچک ۳۰ نفره با روش آزمون-آزمون مجدد و جامعه آماری برای تحلیل عاملی دانشجویان مقطع لیسانس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب بود و نمونه بر روی تعداد ۶۲۸ دانشجو اجرا گردید. نمونه ها با استفاده از روش خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد. یافته‌ها در روشهای کیفی و تهیه روایی محتوی روایی مطلوبی در $CVI > 0/79$ و $CVR > 0/62$ نشان داد، داده های آزمون آزمون مجدد اعتبار زیر مقیاس خداپنداره را $0/806$ و خودپنداره را $0/582$ نشان داد. آلفای کرونباخ یا همسانی درونی آزمون $0/815$ به دست آمد که بیانگر اعتبار مطلوبی است. تحلیل عاملی با روش مولفه‌های اصلی ۴ عامل در پاسخ شرکت کنندگان شناسایی نمود. که شامل ۷ سوال خودپنداره، ۸ سوال خودپنداشت (خودآقعی)، ۱۴ سوال خداپنداره و ۱۱ سوال خداپنداشت (مفهوم واقعی خدا) بود. بنابراین یافته‌های نهایی چهار زیر مقیاس اصلی به دست آمد که هم تصورات کاذب از خداوند و خود و همچنین مفاهیم واقعی خداوند و خود را مورد سنجش قرار می‌دهد. **واژه‌های کلیدی:** خود پنداره، خود پنداشت، خداپنداره، خداپنداشت

مقدمه

این مقاله با چهار مفهوم نسبتاً پیچیده و به هم مرتبط مواجه است که در درمان‌های معنوی تحلیلی جایگاه کلیدی دارند. ادراک ما از یک پدیده می‌تواند واقعی، ناقص، و یا حتی خیالی باشد. از جمله این پدیده‌های اساسی ادراک انسان از خویشتن می‌باشد. ادراک ما از خود، رابطه ما را با هستی پیرامون تعیین می‌کند. اما اگر این ادراک غیر واقعی (پنداری) باشد، چه تبعاتی دارد؟ به ویژه وقتی با مفاهیم انتزاعی مانند معنویت و خدا سروکار داریم. ادراک از خود و خدا تا حد زیادی جهان‌بینی فرد را شکل می‌دهد، حال اگر ادراک فرد از خدا غیر واقعی باشد این سازه‌ها چگونه بر

اعمال واقعی انسان و نظام روان‌شناختی او تأثیر می‌گذارند؟ بنابراین بررسی و تشخیص چهار مفهوم اساسی به لحاظ بالینی از اهمیت بالایی برخوردار خواهد شد: «خودپنداره» (خود آن‌گونه که از زوایه دیگران ادراک و درونی می‌کنیم؛ معادل (me))، «خودپنداشت» (خود، آن‌گونه که از درون ادراک می‌کنیم و با واقعیت ما تطابق دارد؛ معادل (I))، خداپنداره» (خدا آن‌گونه که از تجارب و یادگیری‌ها تصور می‌کنیم یا تصور غیر واقعی از خدا) و «خودپنداشت» (خدا آن‌گونه خود معرفی می‌کند یا مفهوم واقعی خدا) (انصاری، و جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). مفاهیم خود پنداره و خود پنداشت قبلاً در نظریه‌ها و پژوهش‌های مختلف مورد تحلیل قرار گرفته است (از جمله راجرز، ۱۹۵۹، ایبل، بوف و اونیل، ۲۰۱۳). از طرفی بین تصور فرد از خود و خودپنداشت رابطه وجود دارد (دروس، مییدما و ایدم، ۲۰۰۱). این سازه‌ها را به‌رغم درهم‌آمیختگی مفهومی در ادبیات پژوهشی (پیدمونت و مولر، ۲۰۰۶)، باید از هم متمایز و واجد قواعد مجزا دانست. ارجاع این مفاهیم به نظریه‌های روانشناختی تحلیل‌های متفاوتی را به میان می‌کشد. به طور مثال ریزاتو (۱۹۷۹)، متأثر از روان‌تحلیل‌گری فروید و نظریه روابط موضوعی خداپنداره را تحول مفهوم‌پردازی تجربه فردی از خدا تعریف کرد. خداپنداره به‌عنوان یک سازه روانشناختی به احساس فرد نسبت به خدا و ادراک فرد نسبت به احساس خدا در باره خود مربوط است. خداپنداره در مقایسه با خودپنداشت، اساساً یک پدیده ناهشیار است. خودپنداشت حاصل دریافت و فهم شناختی از خداوند است (گرایمز، ۲۰۰۷)، اما آیا این دریافت واقعی و فهم آن امکان‌پذیر است؟ برخی تمایز خودپنداشت از خدا پنداره را به تعریف شخصی از خدا در برابر وانمود احساس شخصی از آن‌چه خدا به آن شبیه است و بعدها شکل می‌گیرد می‌دانند (کانکل، کوک، میشل، دوکتری و هانستاین، ۱۹۹۹، و لارنس، ۱۹۹۷)؛ در حالی که در تجربیات بالینی معنوی هر دو را باید نوعی خداپنداره و منشأ مشکلات روانی-معنوی دانست (جان بزرگی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۸) و با آن‌چه خود خداوند در قرآن کریم می‌گوید (آیه. سوره الصافات) نیز منافات دارد. استهافمن (۲۰۰۵)، به‌طور خلاصه خودپنداشت را مفهومی عمدتاً هشیارانه، و عقلانی می‌داند که مبتنی است بر آن‌چه شخص درباره خدا آموخته است، و از آن‌چه که والدین، رهبران مذهبی، و متون دینی به‌عنوان آموزه‌های مذهبی به او آموخته‌اند متأثر است. در

1 Self-Image

2 Self-concept

3 God-Image

4 God-concept

5 Jeremy I. Abel, J. I., Buff. C. L. & O'Neill, J. C.

6 Roos, D. E., Miedema, S. A. & Iedema, J.

7 Piedmont & Muller

8 Grimes, C.

9 Kunkel, Cook, Meshel, Daughtry, & Hauenstein; Lawrence.

مقایسه با خداپنداشت، هافمن یادآور می‌شود که خداپنداره از نظر ماهیت پیچیده‌تر، هیجانی، تجربی و ناهشیار است. هرچند از یک دیدگاه کل‌نگرانه، این ادراک‌ها با هم رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. به طور مثال رابرتز (۱۹۸۹)^۱ رابطه بین خود پنداره و خداپنداره را بررسی کرد و متوجه شد که خودپنداره مثبت به تشکیل خداپنداره مثبت منتهی می‌شود. هرچند در اینجا نه خود، واقعی است و نه خدا. بنابراین در فضای ادراکی، مفاهیم به یکدیگر معنا می‌دهند و بر عمل انسان تأثیر می‌گذارد. اما سؤال اساسی تفاوت بین ادراک واقعی و خیالی است. دو واقعیت غیر قابل انکار در هستی شناسی انسان، ادراک «خود» و «خدا» است. و یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ارتباطی انسان که بخش زیادی از حوزه ادراکی او را اشغال کرده است «رابطه-خود-خدا» است. خداوند در حوزه ادراکی انسان حکم «موضوع» را دارد. چرا که انسان‌ها اغلب آن را به عنوان «موضوع عشق» انتخاب می‌کنند. حال همان‌گونه که به تعبیر برخی محققان روابط موضوعی (از جمله کیرکپاتریک، ۱۹۹۹)، تصویر خدایان اعتباری از دوران کودکی و مفهوم‌پردازی‌هایی مانند مادر به عنوان موضوع خوب و موضوع بد شکل می‌گیرد، و این تصویر گاهی تا پایان عمر روابط موضوعی دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مفهوم خدا نیز به عنوان یک موضوع در معرض این ادراک قرار می‌گیرد. فرض اساسی در برخی فعالیت‌های بالینی معنوی (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸) نیز این است که اگر درک انسان از خود و خدا، پنداری باشد، رابطه نیز غیر واقعی و دارای کارکردی خیالی است. ادراک واقعی موجب شکل‌گیری عمل واقعی و معنادار، و ادراک غیرواقعی سبب شکل‌گیری عمل غیرواقعی و بی‌معنا می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵). بین تصویر والدینی حتی جنسیت والدین و خداپنداره رابطه‌ای قوی وجود دارد (رسول‌زاده طباطبایی، نصیرزاده و خوشبخت، ۱۳۸۶). جنسیت نیز در توصیف خدا دخالت دارد؛ مردان بیشتر خدا را عمل محور و زنان آن را احساس محور توصیف می‌کنند (فاستور و بابکوک، ۲۰۰۱). اما واقعیت این است که درونی‌سازی تصویر والدینی، خداپنداره را می‌سازند. نلسن، چیک و آیو (۱۹۸۵)، با تحلیل خداپنداره‌ها دریافتند که آن‌ها از دو عامل بنیادین ریشه می‌گیرند؛ تصویر مادری (خدا به‌عنوان یاریگر) و تصویر پدری (خدا به‌عنوان پادشاه). سسرو، مارمون^۷ و... (۲۰۰۴) تلاش کردند رابطه بین تصویر مادری خودپنداره و خداپنداره را بررسی کنند. آن‌ها در یافتند که روان‌بنه‌های منفی اولیه خود پنداره منفی ایجاد می‌کنند.

1 Roberts C. W

2 Kirkpatrick, L. A.

3 Foster, R. A. & Babcock, R. L.

4 Nelsen, Cheek, and Au

5 maternal

6 paternal

7 Cecero, J. J., Marmon. T. S., Beitel. M., Aida Hutz. A., & Jones. H.

از سوی دیگر، همانگونه که بیان شد تحقیقات نیز نشان می‌دهند که آنچه ادراک می‌شود اغلب برابر با واقعیت تلقی می‌شود. نتایج بررسی شرکت آی بی ام (۲۰۱۴) در مطالعه روی ۳۳ هزار کارمند خود در ۲۸ کشور جهان، نشان داد که ادراک برابر واقعیت است. مثلاً عدالت ادراک شده در افراد به رغم فاصله با عدالت واقعی، به عنوان واقعیت (عدالت واقعی) تصور می‌شود. آنها مکانیزم شفاف‌سازی را برای ادراک واقعی بررسی کردند و متوجه شدند اگر به طور مثال همه پرداخت‌ها به کارمند شفاف باشد و او نیز این شفافیت را درک کند اعتماد او به شرکت افزایش یافته و سختی کار را با انگیزه تحمل می‌کند و این کار در صرفه‌جویی هزینه و کاهش خسارت نیز مؤثر است. در حوزه ادراکی «واقعیت ادراک شده» با «ادراک واقعی» یا به عبارت دیگر «مفهوم‌پردازی واقعی» با «پنداره غیرواقعی از واقعیت» اثر برابری در پردازش و تدارک عمل انسان دارند، اما لزوماً نتایج یکسانی ندارند. از آنجا که ادراک فرد منشأ انگیزه و عمل اوست، شفاف‌سازی و یا پنداره‌زدایی از آن زمینه ادراک واقعی و سپس عمل واقعی و ماندگار را فراهم می‌کند.

اهمیت حوزه ادراکی در درمان‌های روانشناختی و آسیب‌شناسی روانی موضوعی بوده است که بخصوص در درمان‌های اخیر روانشناختی مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در اغلب حوزه‌های کاربردی روانشناختی حوزه ادراکی را به خود و هستی ادراک شده محدود می‌کنند، اما انسان نمی‌تواند از وجود حوزه ادراکی مربوط به مبدأ و معاد خود رهایی یابد (جان بزرگی، ۱۳۹۵).

تصور ما از خود و خداوند چگونه شکل می‌گیرد؟ اگر بین خودآگاهی و خداآگاهی رابطه‌ایی وجود داشته باشد، احتمالاً بین شناخت از خود و شناخت از خداوند هم رابطه وجود دارد. قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس آسمانی مسلمانان و به عنوان داده‌های معتبر وحیانی که کلام خدا است، علت خودفراموشی را خدافراموشی می‌داند (سوره حشر آیه ۱۹)؛ یعنی قطع رابطه با خدا قطع رابطه با خود را در پی دارد. در اینجا منظور این است که هویت معنوی از بین رفته و به تعبیر علامه طباطبایی (۱۳۷۴) فرد از زی عبودیت خارج می‌شود.

بومان^۱ (۲۰۱۰)، عامل اساسی وحدت شخصیت نوجوانان را به ادراک خدا نسبت می‌دهد. اما همانطور که پیشتر بیان شد، در تفکر توحیدی اسلام حتی شناخت خود بدون رابطه و شناخت خدای واقعی امکان‌پذیر نیست.

اعتقاد به خدا نیز مانند سایر فرایندهای شناختی ممکن است دستخوش ناهماهنگی و بی‌ثباتی‌های ضمنی و آشکار خودکار و عمدی شناختی شود و زمینه‌های اختلال (مانند وسواس و دقت بیش از حد) را برای افراد فراهم کند (پیروتینسکی، سیو روزمارین، ۲۰۱۵). قنبری هاشم

1 IBM Corporation.

2 Baumann, Eddie K.

3 scrupulosity

آبادی و همکاران (۱۳۹۱) نیز دریافتند که بین ادراک خدا و خودکارآمدی و خودپنداره رابطه وجود دارد. هرچه ادراک خدا مثبت تر و متعالی تر باشد خودپنداره و خودکارآمدی هم مثبت و بهتر می شود. بنابراین یافته های متعدد، شناخت غلط یا ادراک منفی اولیه که گاهی به شکل روان بنه های منفی ظاهر می شوند، می تواند خودپنداره منفی و ادراک غلط یا روان بنه های منفی درباره والدین در نقش ربوبیت اعتباری، می تواند زمینه خداینداره های منفی را فراهم آورد. این پنداره های منفی به دلیل کارکرد منفی خود زمینه آسیب روانی معنوی را فراهم می کند و سنجش و تشخیص این پنداره ها از لحاظ بالینی برای درمان های روانی-معنوی مهم است. پرسشنامه خداینداره لارنس (۱۹۹۷) توسط قنبری هاشم آبادی و همکاران پیشتر برای این منظور ترجمه و اعتباریابی ایرانی شده است. لارنس در این مقاله خود، ضمن اشاره به سختی تمایز خداینداره از خداینداشت، به رابطه بین خداینداره و خودپنداره و اهمیت این مفاهیم در فعالیت بالینی اشاره می کند. او ابعاد خودپنداره را متأثر از نظریه های روابط موضوعی، به خداینداره بر اساس فرض رابطه این دوگسترش داد و ابزار خود را تنظیم کرد. خودپنداره در سه موضوع اساسی؛ تعلق، خوبی و مهار قابل شناسایی است. در نهایت لارنس با شش بعد که دو به دو به سه موضوع فوق مربوط هستند، ابزار خود را ارائه کرد؛ حضور،^۲ چالش،^۳ پذیرش،^۴ خیرخواهی،^۵ نفوذ،^۶ مال اندیشی یا مشیت^۷

ابزاری که بتواند بر اساس منابع دینی و فرهنگ ایرانی این مفاهیم در هم تنیده را مورد سنجش قرار دهد وجود ندارد و این پژوهش در تلاش است یکی از این ابزارها که اخیراً در فعالیت های بالینی معنوی به صورت مصاحبه ای مورد استفاده قرار گرفته و تا حدی از عهده سنجش مفاهیم فوق برآمده به یک پرسشنامه خود-گزارشده تبدیل کرده و شاخصهای روانسنجی آن را معرفی کند. این ابزار بر اساس نظریه درمان چند بعدی معنوی خداسو و برای کمک به درمان معنوی ساخته شده است. فرض اساسی در اینجا این است که پنداره ها دارای کارکرد غیر توحیدی هستند و فضای ادراکی را تحت تأثیر قرار می دهند. شاخص اساسی پنداره ها یادگیری بدون تجربه واقعیت یا ارجاع به منبع معتبر یا واقعیت سنجی است و باعث شکل گیری توصیف های غیرواقعی از خود و خدا شده کاربردی در حل و پذیرش مشکلات خود نداشته و برعکس زمینه ساز آسیب روانشناختی است. پنداره ها شامل همه توصیف های هشیار و ناهشیاری سات که فرد تحت تأثیر دیگری از خود و

1 Pirutinsky, S. Siev, J. Rosmarin, D. H.

2 Presence

3 Challenge

4 Acceptance

5 Benevolence

6 Influence

7 Providence

خدا دریافت و آن‌ها بر رفتار او تأثیر می‌گذارند و مفاهیم اساسی یا پنداشته‌ها، دریافت‌هایی هستند که فرد بر اساس عقل طبیعی و منطبق با واقعیت و منابع معتبر حاصل می‌شوند. به طور مثال مفهومی که به کمک خداوند (از کتب آسمانی)، از او در ذهن شکل می‌گیرد، به دلیل تمایز یافتگی با مفهوم خود و دیگری، کاربرد واقعی خود را دارد و کنش توحیدی دارد (جان بزرگی، ۱۳۹۸). پنداره‌ها به نسبت روابط و منابع فرد از تنوع بیشتری برخوردارند و کنش غیر توحیدی دارند. سنجش این مفاهیم موضوع اصلی این مقاله است و بنابراین، سؤال اساسی این است که آیا ابزار سنجش «خداپنداره- خداپنداشت و خودپنداره-خودپنداشت» می‌تواند از روایی و اعتبار لازم برخوردار باشد؟

روش

در پژوهش حاضر از ترکیب دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری پژوهش، شامل ۲۷۱۱۰ نفر دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب بود. با توجه به الزامات روش تحلیل عاملی، حجم نمونه در این پژوهش ۶۲۸ نفر دانشجوی مقطع لیسانس بودند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای استفاده شده است. ابتدا بین دانشکده‌ها نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفت. سه دانشکده فنی‌مهندسی، علوم تربیتی، حقوق و علوم سیاسی انتخاب شد. بین این دانشکده‌ها قرعه‌کشی شد و ۱۱ کلاس از هر دانشکده انتخاب گردید و پرسشنامه‌ها توزیع شد. به دانشجویان در مورد محرمانه بودن اطلاعات و عدم انتشار مشخصات آنها اطمینان لازم داده شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های ناقص حذف شد. لازم به ذکر است پرسشنامه‌ها فقط در مقطع کارشناسی توزیع و جمع‌آوری گردید.

ابزار پژوهش

در ابتدا پس از مروری بر مطالعات پیشین، پرسشنامه‌ای حاوی ۴۲ سؤال که قبلاً توسط مشاوران و روانشناسان بالینی مشغول به روان‌درمانگری چند بعدی معنوی، که قبلاً به شکل مصاحبه‌ای از مراجعان پرسیده می‌شد به شکل پرسشنامه حاوی ۶ سؤال دموگرافی (نام و نام خانوادگی (اختیاری)، سن، جنس، سطح تحصیلات، مذهب)، ۲۷ سؤال خداپنداره و خداپنداشت، ۱۵ سؤال خودپنداره و خودپنداشت (با مقیاس لیکرت ۴ گزینه‌ای شامل کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم با امتیازهای ۱-۲-۳-۴) طراحی شد.

روایی صوری، روایی محتوا و پایایی:

پس از تنظیم پرسشنامه، در مرحله بعد پایایی (و روایی محتوایی کمی و کیفی پرسشنامه برای حیطه‌های خداینداره و خداینداشت، خودپنداره و خودپنداشت و مرحله تغییر به صورت زیر مورد بررسی قرار گرفت.

- در بررسی روایی صوری از روش کیفی استفاده گردید. تعیین روایی صوری کیفی در یک جلسه با ۴ روان‌شناس برای یافتن سطح دشواری، میزان عدم تناسب، ابهام عبارات و یا وجود نارسایی در معانی کلمات انجام گرفت. که نظرات آنان در پرسشنامه اعمال شد.
- Σ در بررسی کیفی روایی محتوا از ۴ نفر روان‌شناس درخواست شد پس از مطالعه دقیق ابزار، دیدگاه‌های اصلاحی خود را به صورت کتبی ارائه نمایند.
- همچنین تأکید شد که در ارزیابی کیفی روایی محتوا، موارد رعایت دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، اهمیت سؤالات، قرارگیری سؤالات در جای مناسب خود، زمان تکمیل ابزار طراحی شده را مدنظر قرار دهند.
- پس از جمع‌آوری نظرات متخصصان، تغییرات لازم در ابزار مورد توجه قرار گرفت، سپس برای ارزیابی کمی روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهم‌ترین و صحیح‌ترین محتوا (ضرورت سؤال) انتخاب شده است، نسبت روایی محتوا^۳ و برای اطمینان از اینکه سؤالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه‌گیری محتوا طراحی شده، از شاخص روایی محتوا استفاده شد. جهت تعیین^۴ روایی محتوایی پرسشنامه، به ۱۰ نفر از متخصصان در رشته روان‌شناسی و مسلط به دروس حوزوی که با مفاهیم معنوی و روان‌شناختی آشنا و در این زمینه فعال بودند، ارسال و از آنان درخواست شد که در خصوص هر یک از ۴۲ سؤال ابزار به صورت "ضروری است"، "ضروری نیست ولی مفید است" و "ضرورتی ندارد" پاسخ دهند.
- پاسخ‌ها بر اساس فرمول CVR محاسبه و با جدول لاوشه^۶ (۱۹۷۵) انطباق داده شد. اعداد بالاتر از ۰/۶۲ مورد قبول واقع شد.
- پس از تعیین و محاسبه CVR، بررسی CVI^۷ بر اساس شاخص روایی محتوای والتس و باسل^۸ (۱۹۸۱) صورت گرفت. بدین منظور مجدداً پرسشنامه جهت محاسبه CVI به ۱۰ نفر از

1. Reliability

2. Content validity

3. Content validity ratio

4. Content validity index

5. Content Validity

6. Lawshe

7. Content Validity Index

8. Waltz and Basel

- متخصصان ذکرشده داده شد و از آنان خواسته شد که در مورد هر یک از ۴۲ سؤال، چهار معیار زیر را بر اساس طیف لیکرتی چهارقسمتی اظهار نظر نمایند. مربوط بودن، ساده بودن و واضح بودن (مثلاً ۱: غیرمرتبط، ۲: تا حدودی مرتبط، ۳: مرتبط و ۴: کاملاً مرتبط). بدین منظور امتیاز CVI به وسیله مجموع امتیازات موافق برای هر آیت‌ها که رتبه ۳ و ۴ (بالاترین نمره) کسب کرده‌اند بر تعداد کل رأی‌دهندگان محاسبه شد. در این مطالعه با استفاده از فرمول CVI شاخص روایی محتوا محاسبه شد. پذیرش آیت‌ها بر اساس نمره CVI بالاتر از ۰/۷۹ بود.
- در نهایت همسانی درونی سؤال‌ها با شاخصهای آلفای کرونباخ و ساختار عاملی این پرسشنامه از طریق تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مولفه‌های اصلی استخراج شد.
 - نتایج CVI حاکی از آن بود که تمامی سؤالات به جز سؤال ۱ و ۶ نمره CVI بالاتر از ۰/۷۹ داشتند. و لذا مناسب تشخیص داده شدند. سؤال‌های ۱ و ۶ نمره CVI برابر ۰/۷۵ داشت.
 - نتایج CVR حاکی از آن بود که تمامی سؤالات مساوی یا بزرگ‌تر از عدد جدول لاوشه (۰/۶۲) بود. این مطلب حاکی از آن بود که سؤالات ضروری و مهم در این ابزار به کار گرفته شده بود. در نهایت با حذف سؤال‌های ۱ و ۶، ابزار به صورت پرسشنامه‌ای با ۲۵ سؤال جهت خداپنداره و خداپنداشت و ۱۵ سؤال برای خودپنداره و خودپنداشت آماده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص روایی محتوای پرسشنامه توسط نسبت روایی محتوا CVR و شاخص روایی محتوا CVI، قبل و بعد از اصلاح و بازنگری سؤالات پرسشنامه

عبارات		رتبه
CVR	CVI	خدا پنداره - خدا پنداشت
۰/۷۵	۰/۷۵	۱ وقتی خدا به ما عقل داده است لازم نیست برای هر چیزی به او رجوع کنیم.
۰/۷۵	۰/۸۷	۲ اولین تصویری که از خدا در ذهنم نقش می‌بندد ویژگی‌هایی است که در افراد مهم زندگی می‌بینم.
۰/۷۵	۱	۳ تصور می‌کنم نباید چیزی از خدا بخواهم چون او خود می‌داند.

۰/۷۵	۰/۸۷	به این فکر می‌کنم که چرا باید خداینده‌هایش را بازخواست کند.	۴
۱	۱	وقتی از دستورات خدا اطاعت نمی‌کنم منتظرم اتفاق بدی بیافتد.	۵
۰/۷۵	۰/۷۵	وقتی هیجان‌زده می‌شوم (خیلی ناراحت یا عصبانی و یا خیلی خوشحال) خدایی در ذهنم نیست.	۶
۱	۱	نمی‌فهمم چرا باید خداینده‌هایش را امتحان کند.	۷
۱	۱	عدالت خدا برایم قابل‌درک نیست وقتی این همه ظلم و تفاوت می‌بینم.	۸
۰/۷۵	۰/۸۷	احساس می‌کنم خداوند توجه خاصی به من دارد.	۹
۱	۱	از قوانین حاکم بر عالم خوشحالم و همه چیز را در تدبیر خدا می‌بینم.	۱۰
۱	۱	وقتی خدا هست، از دست دادن و به دست آوردن موقعیت‌ها و افراد خیلی ناراحت یا خوشحالم نمی‌کند.	۱۱
۰/۷۵	۱	وقتی همه چیز خوب است از یاد خدا غافل می‌شوم.	۱۲
۰/۷۵	۱	آنچه درباره خدا می‌دانم فراگیری دوران کودکی است.	۱۳
۱	۱	خدا را سخت‌گیر تصور می‌کنم.	۱۴
۰/۷۵	۱	به من آموخته‌اند اگر خدا را اطاعت کنم به آنچه می‌خواهم، خواهم رسید.	۱۵
۱	۱	می‌ترسم خدا از من انتقام بگیرد.	۱۶
۱	۰/۸۷	تصورم از خدا تغییر می‌کند.	۱۷
۱	۰/۸۷	گاهی به خدا آگاه و اغلب به یاد او نیستم.	۱۸
۱	۰/۸۷	رابطه من با خدا مانند رابطه یک فرزند خطاکار است با والد عصبانی .	۱۹
۰/۷۵	۱	درباره اینکه خدا چه موجودی است مطالعه‌ای نداشته‌ام .	۲۰
۰/۷۵	۱	حمایت خدا را در زندگی احساس می‌کنم .	۲۱
۱	۱	مهربانی خدا به ما ، مانند محبت مادر است به فرزندش .	۲۲
۰/۷۵	۱	مطمئنم خدا بی حساب و کتاب همه را می‌بخشد .	۲۳
۰/۷۵	۱	توکل به خدا در کارها برایم کفایت می‌کند.	۲۴
۰/۷۵	۱	خداوند برای کمک به من همواره در دسترس است.	۲۵
۰/۷۵	۱	فقط موقع سختی‌ها به یاد خدا می‌افتم.	۲۶

۰/۷۵	۱	من واقعاً مالک هیچ چیز نیستم، همه چیز از آن اوست.	۲۷
CVR	CVI	خود پنداره - خود پنداشت	
۱	۱	اغلب تصور مثبتی از خودم ندارم.	۱
۰/۷۵	۱	همواره احساس بی ارزشی می کنم،/ کارهایم را بر اساس احساس ارزشمندی انجام نمی دهم	۲
۱	۱	همواره دیگران مرا بهتر از آنچه هستم توصیف می کنند.	۳
۱	۱	اگر بخواهم با سه ویژگی خودم را معرفی کنم... آنها مواردی هستند که دیگران درباره من می گویند.	۴
۱	۱	دلیم نمی خواهد ضعفم را دیگران بدانند.	۵
۰/۷۵	۰/۸۷	نمی توانم به راحتی خودم را ببخشم.	۶
۰/۷۵	۰/۸۷	احساس بلا تکلیفی می کنم و تصور روشنی از خودم ندارم.	۷
۰/۷۵	۱	به نظر نمی رسد آن قدر خوب باشم که خدا مرا دوست داشته باشد.	۸
۰/۷۵	۱	خودم را از درون خوب تصور می کنم.	۹
۱	۱	شناخت خودم از خویش، خیلی منطبق است با نظر دیگران درباره من.	۱۰
۱	۱	به نقاط ضعف خودم آگاهم و نگران نیستم که دیگران بفهمند.	۱۱
۱	۱	زندگیم را نتیجه اعمال خودم می دانم.	۱۲
۰/۷۵	۱	برای انسان هیچ چیزی به جز تلاش خودش، فایده ای ندارد.	۱۳
۰/۷۵	۱	برایم مهم نیست که دیگران چه می گویند کارهایم را طبق قاعده انجام می دهم.	۱۴
۰/۷۵	۱	وقتی مورد اهانت قرار گیرم، نمی توانم فراموش کنم، به هم می ریزم و عصبانی می شوم .	۱۵

پس از ارزیابی روایی، جهت بررسی پایایی پرسشنامه از تست آزمون-آزمون مجدد که نشانگر قابلیت تکرارپذیری یک شاخص است استفاده شد؛ بدین ترتیب بیان می شود که نتایج اندازه گیری یک کمیت در یک نمونه اما در دو زمان مختلف تا چه حد باهم همخوانی دارد. برای این منظور

نسخه روا شده پرسشنامه به ۳۰ دانشجو داده شد؛ سپس یک هفته بعد از آنها خواسته شد تا مجدداً پرسشنامه‌ها را پر کنند.

جدول ۲: همبستگی بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون ۳۰ نفر گروه نمونه

پس‌آزمون	پیش‌آزمون		
۰/۸۰۶(**)	1	همبستگی پیرسون	خداپنداره
۰/۰۰۱	-	سطح اطمینان	
۰/۵۸۲(**)	1	همبستگی پیرسون	خودپنداره
۰/۰۰۱	-	سطح اطمینان	
30	30	فراوانی	

همبستگی به دست آمد بین آزمون-آزمون مجدد خداپنداره برابر ۰/۸۰۶ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ و برای خودپنداره برابر ۰/۵۸۲ در سطح اطمینان ۰/۰۰۱ می‌باشد که معنادار است. یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از خرده مقیاس‌ها و کل آنها بصورت جداگانه در جدول شماره ۳ مشاهده می‌گردد. این یافته‌ها از همسانی درونی نسبتاً مناسب خرد مقیاس‌های این پرسشنامه حکایت دارند.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ برای خرد مقیاس‌ها و مقیاس کلی پرسشنامه خودپنداره - خدا پنداره

آلفای کرونباخ	خرده مقیاس‌ها
۰/۸۰۱	خداپنداره
۰/۷۳۳	خداپنداشت
۰/۷۴	مقیاس کلی
۰/۷۴۵	خودپنداره
۰/۵۲۲	خودپنداشت
۰/۶۳۸	مقیاس کلی

روایی سازه و تحلیل عاملی اکتشافی

از بین روش‌های مختلف رایج در تحلیل عاملی اکتشافی، از روش مؤلفه‌های اصلی و روش چرخش و تکرار واریماکس، جهت تحلیل عاملی استفاده شده است. شاخص KMO برای خداپنداره

مساوی ۰/۸۵۲ و خودپنداره ۰/۷۵۴ بوده است. جدول ذیل بارهای عاملی حاصل از چرخش واریماکس را نشان می دهد.

جدول ۴: بارهای عاملی چرخش شده‌ی نهایی تحلیل عاملی جهت ۲۵ سؤال پرسشنامه‌ی خداپنداره و ۱۵ سؤال پرسشنامه‌ی خودپنداره

مؤلفه‌ها (عامل‌ها)					
سؤال	عامل ۱ (خداپنداره)	عامل ۲ (خودپنداشت)	سؤال	عامل ۱ (خودپنداره)	عامل ۲ (خودپنداشت)
G۲۱	۰/۶۵۶		S3	۰/۷۶۰	
G۲۵	۰/۶۵۶		S12	۰/۷۴۰	
G۲۰	۰/۶۲۱		S1	۰/۷۰۷	
G۹	۰/۶۱۷		S11	۰/۵۸۷	
G۱۸	۰/۶۰۴		S14	۰/۵۶۲	
G۱۰	۰/۵۸۱		S4	۰/۵۶۰	
G۸	۰/۵۶۹		S9	۰/۴۰۲	
G۱۵	۰/۵۴۲		S6		۰/۵۵۸
G۱۷	۰/۵۳۰		S10		۰/۵۲۴
G۲۳	۰/۴۸۷		S13		۰/۵۲۲
G4	۰/۴۷۶		S15		۰/۴۸۱
G2	۰/۴۳۷		S8		۰/۴۷۹
G۱۳	۰/۴۲۳		S7		۰/۴۶۱
G۱۶	۰/۳۶۵		S5		۰/۴۳۱
G۲۴		۰/۶۵۱	S2		۰/۴۱۶
G۷		۰/۶۰۷			
G۱۹		۰/۵۸۶			
G۱۲		۰/۵۷۳			
G3		۰/۵۵۲			
G۱۴		۰/۵۴۵			
G۱۱		۰/۵۳۷			
G۲۲		۰/۴۹۲			
G5		۰/۴۵۲			
G6		۰/۳۷۸			
G1		۰/۳۶۸			

پس از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از مقادیر بارگذاری شده بر روی (G) ۲۵ سؤال، عوامل دوگانه به تفکیک معین شدند. بارهای عاملی و همچنین ۲ عامل به دست آمد. باید دقت کرد که

سؤالات عامل اول شامل سؤال‌های: ۲-۴-۸-۹-۱۰-۱۳-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۲۰-۲۱-۲۳-۲۵ که بیانگر خداپنداره، و عامل دوم شامل سؤال‌های: ۱-۳-۵-۶-۷-۱۱-۱۲-۱۴-۱۹-۲۲-۲۴ که خداپنداشت است.

همچنین مقادیر بارگذاری شده بر روی (S) ۱۵ سؤال، عوامل دوگانه به تفکیک معین شدند. سؤالات عامل اول که شامل سؤال‌های: ۱-۳-۴-۹-۱۱-۱۲-۱۴ که بیانگر خودپنداره، و عامل دوم شامل سؤال‌های: ۲-۵-۶-۷-۸-۱۰-۱۳-۱۵ که خودپنداشت است.

روایی همزمان

به منظور بررسی روایی همزمان، همبستگی پرسشنامه خود- خدا پنداره با پرسشنامه ادراک از خدا محاسبه گردید که یافته‌ها در جدول ۵ مشاهده می‌گردد.

جدول ۵: همبستگی گشتاوری پیرسون بین ادراک از خدا و خداپنداره

ادراک از خدا	
خود- خداپنداره	.۴۶۹(**)
معنی داری	۰/۰۰۳

در این جدول مشاهده می‌شود که خود - خداپنداره با ادراک از خدا همبستگی ۰/۴۶۹ + و معناداری را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

تهیه ابزاری که بتواند مفاهیم کلیدی بالینی در حوزه روابط معنوی انسان را به خوبی نشان دهد و وضعیت فرد را به شکل قابل قبولی به عنوان آن چه که اکنون هست نشان دهد موضوع اصلی این پژوهش بوده است. چهار مفهوم به هم تنیده و مهم در درمان‌های روانشناختی و به ویژه معنوی شامل خودپنداره، خداپنداره، خودپنداشت و خداپنداشت، برای این سنجش انتخاب شدند. منطق رابطه این مفاهیم هم در متون دینی قابل پیگیری است و هم در متون علمی به قدر کافی به آن‌ها پرداخته شده است. شناخت خود در منابع دینی با شناخت خدا گره خورده است (مانند آیه ۱۹ سوره حشر و آیه ۴۰ سوره نور) و از سوی دیگر شناخت خود منشأ شناخت همه چیز است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «لا تجهل نفسک فان الجاهل بمعرفة نفسه جاهل بکل شیء؛ و نسبت به خویشتن خود جاهل مباش زیرا کسی که به شناخت خویش جاهل است به همه چیز جاهل است» (آمدی، ۱۳۶۶). آیه ۱۰۵ سوره مائده شناخت واقعی خود را مسیر هدایت و

مصون ماندن از خسارت و زیان‌های اساسی می‌داند. آیه ۱۱ سوره حج عبادت ظاهری و از روی حرف نسبت به خدا را موجب آسیب‌پذیری انسان می‌داند به نحوی که مهار درونی انسان از بین رفته و منبع مهار او بیرونی می‌شود؛ نکته ایی که فرد وقتی هویت خود را بر اساس خودپنداره‌ها که اغلب حاصل تأیید دیگران است، شکل می‌دهد، تجربه می‌شود. این آیه نیز تا حدی به رابطه بین خداشناسی و خودشناسی اشاره دارد. آیات زیادی اشاره دارد که کسانی که سرمایه‌های وجودی خود را از دست داده اند نمی‌توانند ایمان بیاورند و پیامد اعمالشان بی ثمر است و اینها کسانی هستند که خداپنداره‌ها یا خدایان کاذب را می‌پرستند (مانند آیه ۱۲ سوره انعام، آیه ۲۰ سوره انعام، آیه ۹ سوره اعراف، ۵۳ سوره اعراف، آیه ۱۵ زمر، و...). آیات ۱۰۳ تا ۱۰۵ سوره کهف اشاره به محاسبات غلط انسان برای سرمایه گذاری اشاره دارد که بر اساس پنداره‌های خویش است و پیامدی در پی نخواهد داشت. این سرمایه‌های وجودی تا حد زیادی وابسته به واقع نگری و تنظیم روابط بین خود و دیگری وابسته است. در کل شناخت و حفظ هویت واقعی انسان که دارای بهترین تقویم است مستلزم ایمان یقینی و عمل سازگارانه یا صالح است (آیات ۴ تا ۶ سوره تین). در منابع علمی نیز هماهنگی بین خودپنداره و خود پنداشت (خودواقعی) را نشانه سلامت روانی و تصمیم سالم می‌دانند (از جمله راجرز، ۱۹۵۹، ایبل، بوف و اونیل، ۲۰۱۳) و بین احساس فرد نسبت به خود و خداپنداشت رابطه گزارش شده است (دروس، مییدما و ایدما، ۲۰۰۱).

یافته‌ها نشان داد که چنین ابزاری می‌تواند از شاخص‌های روان سنجی مطلوبی در گام‌های اولیه برخوردار باشد. در تحلیل عاملی، چهار عامل اساسی، خودپنداشت، خداپنداشت، خودپنداره، و خداپنداره به دست آمد که در تشخیص بالینی و نیز در پژوهش‌های روانشناختی و معنوی قابل استفاده است.

در بررسی بعد معلوم شد که این پرسشنامه با پرسشنامه دیگر هر چند با مبانی متفاوت (از جمله خداپنداره لارنس، ۱۹۹۷) از همبستگی مطلوبی نیز برخوردار است.

گرچه این ابزار می‌تواند ابزار سنجش مطلوبی برای مفاهیم مذکور باشد اما هنوز از محدودیت‌های ابزارهای خودسنجی برخوردار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با مصاحبه بالینی همراه شود. همچنین گروه نمونه تحقیق برای تحلیل عاملی یک گروه نمونه دانشجویی داوطلب بود که تصمیم نتایج آن به جمعیت نمونه دیگر با احتیاط صورت گیرد. با کاربردهای بالینی آن در محیط‌های مختلف احتمالاً نتایج دقیق‌تری حاصل می‌شود.

در پایان لازم است از مدیریت مرکز مشاوره طلایه سلامت، سرکارخانم ناهید نوری و نیز از گروه پژوهشی درمان معنوی خداسو در آن مرکز، که در شکل‌گیری و حمایت از این پژوهش نهایت تلاش خود را کردند سپاسگزار باشیم.

منابع فارسی

- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*. قم، انتشارات دفتر تبلیغات. جلد ۱، ص ۷۵۵.
- انصاری، حسن. جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط خودپنداره با خداپنداره در درمان مذهبی/معنوی اختلالات روانی. *اسلام و مطالعات روان شناختی*. سال ۱۰، شماره ۱۹، ص ۱۱۵-۱۳۰.
- جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۸). *درمان چند بعدی معنوی: یک درمان خداسو*. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۵). روان درمانگری چند بعدی معنوی: فعال سازی عمل معنوی و اثر بخشی آن بر مشکلات روانشناختی مراجعان مضطرب. *پژوهشنامه روان شناسی/اسلامی*. سال دوم شماره ۳. ص ۸ - ۳۹.
- رسول زاده طباطبایی، کاظم، نصیزاده، راضیه و خوشبخت. (۱۳۸۶). بررسی قدرت پیشبینی کنندگی خصوصیات دموگرافیک و ادراک کودکان دبستانی از ویژگی‌های والدین، ادراک آنها از مفهوم خدا. *مجله مطالعات روان شناختی*، دوره ۳ شماره ۴.
- قنبری هاشم آبادی، بهرامعلی. اشرف، سید محمد حسین. قنبری هاشم آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط ادراک از خدا با خودپنداره و خودکارآمدی، با توجه به متغیرهای در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی. *پژوهش‌های روان شناسی بالینی و مشاوره*، سال ۲ شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۸۰.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیرالقران*، موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

References

- Abel, J. I., Buff. C. L. & O'Neill, J. C. (2013) "Actual self-concept versus ideal self-concept: An examination of image congruence and consumers in the health club industry", *Sport, Business and Management: An International Journal*, Vol. 3 Issue: 1, pp.78-96
- Baumann, Eddie K. (2010). The Essentials of Integration: Developing the Image of God. *Christian School Education* Vol. 13 Iss. 4 p. 32 – 36.
- Cecero, J. J., Marmon. T. S., Beitel. M., Aida Hutz. A., & Jones. H. (2004). Images of mother, self, and God as predictors of dysphoria in

- non-clinical samples. *Personality and Individual Differences* 36 1669–1680.
- Foster, R. A. & Babcock, R. L. (2001). God as a Man Versus God as a Woman: Perceiving God as a Function of the Gender of God and the Gender of the Participant. *THE INTERNATIONAL JOURNAL FOR THE PSYCHOLOGY OF RELIGION*, 77(2), 93-104.
- Grimes, C. (2007). God Image Research: A Literature Review. In Glendon L. Moriarity, Louis Hoffman, editors. *God Image Handbook for Spiritual Counseling and Psychotherapy: Research, Theory, and Practice*. Haworth Press. Pp. 38-60.
- Hoffman, L. (2005). A developmental perspective on the God image. In R. H. Cox, B. Cox, & L. Hoffman (Eds.), *Spirituality and Psychological Health. Colorado School of Professional Psychology Press, Colorado Springs, CO*.
- IBM Corporation. (2014). Perception is reality: The importance of pay fairness to employees and organizations. IBM Software. Technical Whitepaper. *Produced in the United States of America*.
- Jeremy I. Abel, J. I., Buff, C. L. & O'Neill, J. C. (2013) "Actual self-concept versus ideal self-concept: An examination of image congruence and consumers in the health club industry", *Sport, Business and Management: An International Journal*, Vol. 3 Issue: 1, pp.78-96,
- Kirkpatrick, L. A. (1999). **Attachment and religious representations and behavior**. In *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp.803-822). New York: Guilford Press.
- Kunkel, M A , Cook, S , Meshel, D S , Daughtry, D , & Hauenstein, A (1999) God images A concept map. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 38, 193-202
- Lawrence, R.T. (1997), Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scale. *Journal of Psychology and theology*. 25(2): 214-۲۲۶.
- Lawshe CH. A . (1975). quantitative approach to content validity. *Personnel Psych* 1975; 28: 563-75.
- Nelsen, H., Cheek, Jr., N. H., & Au, P. (1985). Gender differences in images of God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 24, 396-402.
- Piedmont, R. L., & Muller, J. (2006, August). Are God image and God concept redundant constructs? *Poster presented at the 2006 Annual*

- Convention of the American Psychological Association*, New Orleans, LA.
- Pirutinsky. S. Siev. J. Rosmarin. D. H. (2015). Scrupulosity and implicit and explicit beliefs about God. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*. 6. P 33-38
- Rizzuto, A. M. (1979). *The birth of the living God: A psychoanalytic study*. Chicago: University of Chicago Press.
- Roberts C. W. (1989). Imaging God: Who is created in whose image? *Review of Religious Research*, 30(4): 375-85.
- Roos, D. E., Miedema, S. A. & Iedema, J. (2001). Attachment, working models of self and others, and God Concept in kindergarten. *Juornal for the scientific study of religion*. 40(4).pp. 607-618.
- Waltz C. F, Bausell R. B.(1981). *Nursing Research: Design, Statistics, and Computer Analysis*. Philadelphia: W.B. Saunders Co; 1981. P. 45.